

مقام معظم رهبری: معاهده ذلت بار ترکمنچای و قبل از آن معاهده گلستان 17 شهر قفقاز را از ایران جدا کرد

در این دوران 200 ساله معاهده ذلت بار ترکمنچای و قبل از آن معاهده گلستان اتفاق افتاد و 17 شهر قفقاز را از ایران جدا کردند

G/سرویس آذربایجان

خبرگزاری آران / سرویس ایران

به گزارش آران نیوز مقام معظم رهبری امروز قبل از ظهر در مراسم سالگرد حضرت امام خمینی سخنان مهمی بیان فرمودند.

متن کامل سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیست و سومین سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مرقد مطهر به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند را سپاسگزاریم که فرصتی دیگر به ما عنایت کرد که در کنار مرقد امام و پیشوا و رهبر و مرشد بزرگ این ملت يك بار دیگر گردهم جمع بشویم برای تجدید عهد و تجدید بیعت با این امام بزرگوار و بازخوانی سیره و درس های امام که درس های انقلاب است. برای روشن کردن راه آینده مان و تسهیل مسیرمان. این روزها مصادف است با عید مبارک ولادت امیرمؤمنان که پدر امت بود.

مردم ما روز 13 رجب را روز پدر نامیده اند. امام بزرگوار ما در حق این ملت و در حق این کشور پدری کرد. پدر امت یعنی مظهر مهربانی و رحمت و مظهر اقتدار و صلابت و شخصیت. استحکام شخصیت پدرانه در کنار محبت و مهربانی پدرانه و امام علاوه بر اینها پدر جنبش اسلامی امروز در دنیای اسلام است.

یکی از خطوط اصلی در سیره امام و منش امام که امروز به آن می پردازیم و درباره آن قدری بحث می کنیم دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور است.

بحث درباره این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد يك بحث متکی به واقعیت جامعه است؛ يك بحث صرفا ذهنی نیست.

عزت یعنی اینکه عزت به معنای ساخت مستحکم درونی يك فرد یا يك جامعه است که او را در مقابله با دشمن در مقابل با موانع دارای اقتدار می کند و در چالش ها او را غلبه می بخشد.

يك بحث قرآنی کوتاهی را در ابتدا عرض کنم. در منطق قرآن عزت، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند است و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می گیرد. در مصاف بین حق و باطل بین جبهه خدا و جبهه شیطان عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار می گیرند. این منطق قرآن است.

در سوره فاطر می فرماید 'من کان برید العزه فله عزه جمیعا. در سوره منافقون می فرماید 'ولله العزه ولرسوله وللمؤمنین ولکن المنافقین لا یعلمون' عزت متعلق به خداست. عزت متعلق به پیامبر و به مومنین است. اگرچه که منافقان و کافران این را درک نمی کنند. نمی فهمند که عزت چه داشت. مرکز عزت واقعی کجاست.

در سوره نساء درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرت های شیطانی می کنند برای اینکه حیثیتی به دست آورند درباره اینها می فرماید 'ایبتغون عندهم العزه فان العزه لله جمیعا'.

آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرت های مادی پناه می برند، عزت در نزد خداست.

در سوره مبارکه شعرا يك گزارشی از مجموعه چالش های پیامبران بزرگ را مطرح می فرماید. درباره حضرت نوح، درباره حضرت ابراهیم، درباره حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی، مفصل درباره چالش های این پیامبران بزرگ بحث می کند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم می رساند. در هر مقطعی که غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان می خواهد بفرماید، می فرماید ان فی ذلک لایه و ما کان اکثرهم مومنین و ان ربک لهُو العزیز الرحیم' یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت در دست آنها بود پول و سلاح دست آنها بود اما جبهه توحید بر آنها پیروز شد.

در این يك آیتی است از آیات الهی و عزیز و رحیم خدای توست. بعد از اینکه این گزارش در طول سوره مبارکه شعرا قرآن تکرار می کند، بعد در آخر سوره خطاب به پیامبر می فرماید 'و توکل علی العزیز الرحیم' که به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده غلبه حق بر باطل است توکل کن تکیه کن؛ 'والذی یراک حین تقول و تقلب فی الساجدین' او ناظر به حال توست؛ در حال قیام در حال سجده در حال عبادت در حال حرکت و در حال تلاش حاضر و ناظر است و تو را می بیند؛ 'انه هو السميع العلیم' این آیه قرآن.

پس در منطق قرآن عزت را باید از خداوند طلب کرد. عزت وقتی که شامل حال یک انسان، يك فرد یا يك جامعه می شد مثل يك حصار عمل می کند مثل يك باروی مستحکم عمل می کند. نفوذ در او محاصره او و نابود کردن او برای دشمنان دشوار می شود. انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگه می دارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه های عمیقتر وجود انسان و وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم تأثیرات این نفوذ ناپذیری بیشتر می شود. کار به جایی می رسد که همچنانی که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ می ماند از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی یعنی شیطان هم انسان محفوظ باقی می ماند.

آن کسانی که عزت ظاهری دارند این عزت در دل آنها و در درون آنها و لایحه های عمیق آنها نیست در مقابل شیطان بی دفاعند؛ نفوذپذیرند.

معروف است که می گویند اسکندر مقدونی در يك راهی می گذشت، مردم به او کرنش می کردند. يك مرد پارسی مومنی در يك گوشه ای نشسته بود، کرنش و احترام نکرد و بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت چرا در مقابل من کرنش نکردی؟ گفت زیرا تو غلام غلامان منی، چرا در برابر تو کرنش کنم؟ گفت چطور؟ گفت، زیرا تو غلام شهوت و غضب خود هستی و شهوت و غضب غلامان من هستند، در اختیار من هستند و من بر آنها غلبم. انسان اینگونه می شود.

اگر عزت نفس در درون لایه های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان در انسان اثر نمی گذارد و هواهای نفس در انسان اثر نمی گذارد. شهوت و غضب انسان را بازیچه خود قرار نمی دهد. ما امام را اینگونه شناختیم.

امام در طول حیات چه در حوزه علم و تدریس و چه در حوزه دوران مبارزه دشوار و چه در حوزه مدیریت و حاکمیت، آن وقتی که در راس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت، در همه اینها مصادق 'و توکل علی العزیز الرحیم' بود.

برای همین بود که کارهای بزرگ که همه می گفتند نشدنی است با طلوع امام این کارها شدنی شد. همه سدهایی که گفته می شد شکستی نیست، با حضور امام این سدها شکستی شد.

او علاوه بر اینکه خود مظهر عزت، عزت نفس و اقتدار معنوی بود روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این کار بزرگ امام بزرگوار بود که من برمی گردم و درباره این موضوع توضیح خواهم داد.

ملت ما با احساس عزتی که از درس های امام و انقلاب آموخت توانست خود را کشف کند. ملت خود را کشف کرد و توانایی های خود را کشف کرد و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده های الهی را با چشم خود دیدیم.

چیزهایی را که در تاریخ می خواندیم، در کتاب ها می خواندیم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم. غلبه مستضعفین را بر مستکبرین، بی بنیادی قصرهای به ظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سال ها دیدیم.

خوب من حالا می خواهم بر روی این مسئله عزت ملی تکیه کنم تا به یک نقطه مورد نظر برسم. امروز روز بزرگی است، سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. یاد امام بزرگوارمان از همیشه زنده تر است، میراث با برکت او امروز در این کشور و در دنیای اسلام در مقابل چشم همگان است. تکیه کنیم روی برخی از ابعاد وجودی این حرکت. ما در تاریخمان، ما ایرانی ها دوران های متفاوتی را گذرانیدیم. عزت و ذلت داشته ایم در دوران تاریخی طولانی خودمان. اما در این دوران طولانی 200 ساله منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذرانیدیم، ما ایرانی ها.

خیلی ها از تاریخ بی خبرند و خیلی ها تاریخ را سرسری نگاه می کنند. باید در تاریخ تعمق کرد و از تاریخ درس گرفت. ما در این 200 سال یک دوران تاریک ذلت را از سر گذرانیدیم. نشانه های این ذلت زیاد است. ما در تمام این دوران در حوزه سیاست یک ملت منزوی بودیم در فعل و انفعالات منطقه خودمان، چه برسد به فعل و انفعالات جهان هیچ تاثیری نداشتیم. در این دوران 200 ساله استعمار به وجود آمد. دولت های مستعمر از اقصی نقاط عالم به منطقه ما آمدند. کشورهای را گرفتند، ملت هایی را اسیر گرفتند، منابع ثروت ملت ها را غارت کردند. دولت و ملت ایران در این 200 سال بی خبر و غافل نگاه می کردند به حوادث شاید از حوادث حتی مطلع هم نمی شدند چه برسد به آنکه بخواهند در آن حوادث دخالت کنند و تاثیر بگذارند. در حوزه اقتصاد، وضع ما روز به روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت می کرد. در حوزه علم و فناوری بکلی عقب مانده بودیم، هیچ دستاورد علمی که قابل توجه و قابل عرضه باشد در مقابله با حرکت عظیم علمی دنیا نداشتیم.

در سیاست داخلی خود دستخوش سیاست های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرت های مسلط دنیا، بر روی حکومت های ما اثر می گذاشتند، آنها را به این طرف یا آن طرف می کشاندند، به آنها تحمیل می کردند و از آنها کار می کشیدند و دولت های ما، پادشاهان ما و قدرت های مسلط ما هیچ عکس العمل شایسته انسانی افتخار آمیزی از خودشان نشان نمی دادند حتی در زمینه حفظ کشور، حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولت ها، ضعف خجالت آوری را در این دوران 200 ساله ما مشاهده کردیم و تجربه کردیم. در این دوران 200 ساله معاهده ذلت بار ترکمنچای و قبل از آن معاهده گلستان اتفاق افتاد و 17 شهر قفقاز را از ایران جدا کردند و در همین دوران 200 ساله بود که بوشهر ما را آمدند، اشغال کردند. بدون کمترین مقاومتی از سوی دولت و دولتی ها.

در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردو زد، اردوی نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید، فلان اقدام را بکنید و فلان کس را بیرون کنید والا به تهران حمله می کنیم. یعنی تا قزوین جلو آمدند، تهران را تهدید کردند، دولت مرکزی در تهران به خود می لرزید. اگر شخصیت های نادری در این میان نبودند، قطعاً تسلیم اولتیماتوم آن دولت بیگانه می شدند. در همین دوران بود که دولت انگلیس آمد و حکومت پهلوی ها را در ایران بوجود آورد.

رضاخان را انتخاب کردند و از یک مرکز فرودستی او را بالا کشیدند و او را به سلطنت کشور رساندند و سلطنت او را به عنوان یک قانون درآوردند در کشور و همه امور را به دست او دادند و او هم در مشیت و اختیار خودشان بود.

در همین دوران بود که قرارداد ننگین 1299 (ه.ش) و 1919 میلادی اتفاق افتاد که اقتصاد کشور به دست بیگانه می افتاد بر طبق این قرارداد و سیاست و اقتصاد کشور یکبار به اختیار دشمنان قرار می گرفت.

در همین دوران بود که در همین شهر تهران، رییس سه کشور که متحدین جنگ بودند، آمدند در تهران بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنائی بکنند در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین در تهران جلسه کردند نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه ای نشان دادند به میل خودشان آمدند در اینجا جلسه تشکیل دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود مورد اعتنائی آنها قرار نگرفت و آنها به دیدن او نرفتند، اورفت به دیدن آنها، وارد اتاق که شد برایش بلند نشدند و به او اعتنا نکردند. ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سربر می شود بر روی مردم تا کجاها منتهی می شود. این حسیض ذلت یک حکومت و ملت است.

در این میان استثناهایی وجود داشت و یک امیرکبیری مثلا سه سال بر سر کار آمد یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی توانست قضیه تنباکو را فیصله دهد یا علما در قضیه مشروطیت دخالت کردند یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره ای به راه افتاد.

اما همه اینها کارهای کوتاه مدت، موقت و بعضا به کلی ناکام بود و روال کلی و حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت بزرگ، تاریخ ساز و دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود تا انقلاب آمد.

انقلاب ورق را برگرداند، انقلاب کبیر اسلامی به کلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام که رهبر این انقلاب و زمامدار و پیشوای این انقلاب بود بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیا کند و عزت آنها را به آنها برگرداند و فرهنگ 'ما می توانیم' که امام بزرگوار این فرهنگ را به دهان مردم انداخت و در دل مردم جایگزین کرد، این همان فرهنگ قرآنی است که 'ولا تهنوا ولا تحزنوا و اتمم الاعلوان ان کنتم مؤمنین' خود ایمان به معنای علو است و وسیله مادی است اما فقط این نیست. نفس ایمان، علو آور و عزت آور است و یک ملت را رشد می دهد.

خود امام جلو افتاد، رهبری کرد و انگیزه ها و همت ها در مردم بیدار شد و استعدادها جوشیدن گرفت و عمل مردم و حضور مردم در صحنه، زمینه جلب رحمت الهی شد. این نکته بسیار عظیمی است، رحمت الهی گسترده است اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت، گیر او نمی آید. ملت آمد توی صحنه و خود را در وسط میدان قرار داد و این شد زمینه رحمت و هدایت الهی و هدایت و رحمت الهی شامل حال او شد و حرکت بی وقفه آغاز شد. حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت آفرین البته گاهی کند و تند، اما بدون وقفه و تعطیلی.

در ادبیات انقلابی امام وقتی ملاحظه می کنید، تکیه اصلی بر روی ساخت درونی ملت است. احیای روح عزت نه با تفاخر و نه غرور و نه با خود بستن بلکه با استحکام ساخت درونی و این یک کار مقطعی نیست. آنچه ما باید به آن توجه کنیم این است که این یک کار مقطعی نیست بلکه یک کار مستمر و ادامه دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستایی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیش رو را، یک ملت پیش رو را متوقف می کند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست، بعضی از این عوامل تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقب گرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. این جاست که با یک مفهومی به نام پیشرفت رو به رو می شویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی این ساخت مستحکم بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد، ما را به پیشرفت برساند. این دهه نامگذاری شده است به دهه پیشرفت و عدالت. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست در همه ابعاد ربوبی انسان است که در آن آزادی هم است، عدالت هم است، در آن اعتدای اخلاقی و معنوی هم هست. اینها همه در مفهوم پیشرفت است. البته در رو، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی، همه اینها وجود دارد.

امام با آن حرکت خود ما را در این جاده قرار داد که باید در این جاده پیش روییم. هر گونه توقف در این جاده، ما را به عقب گرد می رساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است، در جاده پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه شریفه می شود که 'الم تر الی الذین بدلوا نعمة الله کفرا و اهلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار' دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر ملت ها، اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند سایه افکن خواهد شد.

ما امروز در مساله عزت ملی و پیشرفت ناشی از آن با یک الگوی زنده مواجه هستیم. عرض کردم بحث ما یک بحث ذهنی محض نیست، یک الگوی زنده در مقابل ماست و آن خود این ملت و این جامعه است. یک مدل تجربه شده و امتحان داده. ملت ایران با این مدل، با این الگو وارد میدان شده است.

من نمونه هایی از پیشرفت ملت ایران را عرض می‌کنم. هر کدام از اینها يك شرح مفصل و مصداق های متعدد دارد. هفت الی هشت مورد را عرض می‌کنم.

يك نمونه از پیشرفت ملت ایران غلبه بر همه چالش های سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی در طول این 33 سال است که هدف آنها موجودیت نظام را از بین بردن بود. موجودیت نظام را آماج قرار داده بودند. ملت بر همه این چالش ها پیروز شد.

در این میدان يك روز که دنیا دست شرق و غرب بود، ملت ایران بر شرق و غرب پیروز شد. امروز که به حسب ظاهر، دنیا در دست غرب گمراه است ملت ایران توانسته است بر این غرب گمراه پیروز شود.

نمونه دیگر از پیشرفت ملت ایران این است که ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تاثیر گذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، امروز از اول انقلاب به مراتب قوی تر هستیم.

نمونه هایی دارد، شواهدی دارد و این را دشمنان ما می‌گویند. یکی از روسای رژیم جعلی صهیونیستی که دشمن شماره يك ملت ایران و انقلاب ایران است اعتراف می‌کند، می‌گوید امروز يك نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدف های ما پیش می‌رود و ایران رهبری این قدرت را به دست گرفته است.

این سیاستمدار درمانده و حیرت زده اعتراف می‌کند می‌گوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است، يك سیاستمدار کهنه کار آمریکایی هم، این ها همه مال حرف های یکی دو ماه و دو سه ماه اخیر است. سیاستمدار کهنه کار شناخته شده ای که ما کاملا آشنا هستیم با وضع او در يك جلسه ای مقایسه می‌کند آمریکای 2001 میلادی را با آمریکای 2011، یعنی طول این 10 سال. می‌گوید کدام دیوانه ای وضعیت آمریکای ابرقدرت اول هزاره را به شرایط رقت بار آمریکا در سال 2011، سال گذشته میلادی، تبدیل کرده است. بعد می‌گوید این تحولاتی که اتفاق افتاده است که به این وضع منتهی شده است، دامن زنده به این تغییر، ایران است.

معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه این تاثیرات ژرف را باقی بگذارد، این هم يك شاخص از شاخص های پیشرفت که عرض کردم عینی و جلوی چشم ماست.

يك شاخص دیگر حجم خدمات عمرانی و آبادانی در این کشور پهناور است که در همه گوشه و کناره های این کشور، امروز شما می‌توانید خدمات عمرانی را، خدمات آبادانی را، سازندگی را به معنای وسیع کلمه مشاهده کنید که سال به سال هم افزایش پیدا می‌کند، این از جمله شاخص های مهم پیشرفت يك ملت است.

از جمله شاخص های پیشرفت این است که پیچیده ترین طرح ها، پیچیده ترین دستگاه های صنعتی، سازه های مهندسی، کارخانه های فولاد، نیروگاه ها و کارهای بزرگ که در این کشور انجام می‌گیرد، تماما به دست متخصصان ایرانی و جوانان ساخته شده انقلاب است.

ما امروز در بسیاری از کارهای مهمی که در این کشور انجام می‌گیرد، هیچ احتیاجی به حضور متخصصان خارجی نداریم، این کشوری که يك آسفالت می‌خواستند بکنند، يك پل توی خیابان می‌خواستند بزنند، باید از بیرون می‌آوردند امروز کارهای بزرگ، سازه های عظیم مهندسی، کارهای پیچیده انجام می‌دهد. انجام دهنده همین جوانان هایی هستند که در محیط انقلاب پرورش پیدا کردند، بارو شدند، بالنده شدند و بارها را بردوش گرفتند.

يك شاخص دیگر شتاب علمی کشور است که بارها اعلام شده تکرار شده، شتاب علمی کشور، تولیدات نمایه شده، رتبه علمی کشور در سال 2011 میلادی که این ها همه اش افتخار آفرین است و این هم قضاوت ما نیست، قضاوت مراکز علمی رسمی دنیا است، که آن ها دارند می‌گویند، رشد علمی کشور را می‌گویند 11 برابر رشد متوسط دنیا است و سال 2011 نسبت به سال قبل 20 درصد هم افزایش پیدا کرده است، این را آن ها می‌گویند.

رتبه علمی را در بعضی از حوزه ها مثل حوزه هسته ای، حوزه نانو، حوزه سلول های بنیادی، حوزه هوا فضا، حوزه زیست فناوری، وضع ما درخشان است. کارهایی که دارد انجام می‌گیرد، کارهای درخشانی است که در دنیا به شکل معدودی وجود دارد در بین این همه کشور دنیا کشورهای به اصطلاح پیشرفته و غیرپیشرفته، بعضی از این کارها فقط در 5 کشور و یا 10 کشور و در 15 کشور بیشتر وجود ندارد. به ما هم که هیچ کمک علمی نکردند، در مراکز علمی پیشرفته دنیا به روی دانشجویان ما بسته است، این ها از دورن جوشیده است و البته همین جا عرض کنم در حاشیه که این تحریم هایی که انجام گرفت، بزرگترین کمک را به ما در این زمینه کرد.

یکی از مظاهرو نمونه ها و شاخص های پیشرفت، مظاهر مردمسالاری اسلامی است که این ها را باید توجه کرد، بسیار مهم است.

ببینید ما انتخاب های شورانگیزی که در این کشور داشتیم، انتخابات ریاست جمهوری در دوره های مختلف از همه پرشورتر در دوره دهم در دو سال گذشته، انتخاب های مجلس. ما 9 دوره قانونگذاری در کشور داشتیم که همه این 9 دوره در روز هفتم خرداد، بدون يك روز تاخیر اتفاق افتاده است و افتتاح شده است. این چیز کوچکی است؟ در طول 33 سال 9 دوره انتخابات، 9 مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است، بدون يك روز تاخیر. هیچ حادثه ای، حادثه سیاسی، حادثه امنیتی، حادثه اقتصادی، تهدیدهای دشمن نتوانسته است، انتخابات را يك روز عقب بیاورد. هفتم خرداد در همه دوره ها روز تشکیل مجلس جدید است.

مورد دیگر انگیزه ها و شعارهای انقلابی مردم است، شما نگاه کنید جشن های یادبود انقلاب های دنیا چه جوری در کشورها انجام می‌گیرد، يك مراسم رسمی درست می‌کنند، يك عده ای از رجال يك جایی جمع می‌شوند، احیاناً يك نیروهای مسلحی هم رژه می‌روند.

در ایران سالروز پیروزی انقلاب یعنی 22 بهمن، به وسیله میلیون ها مردم در سرتاسر کشور با شوق و ذوق فراوان انجام می‌گیرد. هر سال هم از سال قبل شورانگیزتر و مهمتر و بزرگتر. این نشان دهنده زنده بودن این ملت و پیشرفت این ملت در اهداف انقلابی است.

در تهذیب و تطهیر روحیه هم همینجور، بعضی ها نگاه می‌کنند به يك مظاهری می‌بینند يك چند تا جوان، يك چندتا زن یا مرد يك عمل خلافی انجام دادند فوراً يك قضاوت کلی روی آن می‌می‌گذارند، این غلط است. توجه مردم به معنویات است. شما همین روزها بروید در این دانشگاه ها مساجد دانشگاه ها ببینید چه خبر است در این روزهای اعتکاف؟ روزهای اعتکاف از فردا جوانان های ما می‌روند در مساجد اعتکاف می‌کنند یکی از شلوغ ترین، گرم ترین، پرشورترین مراکز اعتکاف، مساجد دانشگاه های ماست، غیر از مساجد عمومی و مساجد بزرگ که همه در آن شرکت می‌کنند. این نشان دهنده يك حرکت به سمت معنویت است، اینجاست، اینهاست که ما میتوانیم تشخیص بدهیم، قضاوت کنیم، حکم کنیم به اینکه کشور ما، ملت ما در حال پیشرفت است.

در همه ابعاد، کشور دارد پیشرفت می‌کند و همه در زیر پرچم اسلام و در سایه دعوت الهی این مرد بزرگ، این انسان والا، این جانشین به حق پیامبران و اولیای الهی، راه را این مرد بزرگ باز کرد در مقابل ملت ما.

محافل سیاسی و رسانه ای دنیا از خطر ایران هسته ای دم می‌زنند که ایران هسته ای خطر دارد. من می‌گویم، این ها دروغ می‌گویند، این ها فریبگری می‌کنند آنچه آنها از آن می‌ترسند و باید هم بترسند، ایران هسته ای نیست، ایران اسلامی است.

ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله انداخته است، ملت ایران اثبات کردند که بدون تکیه به آمریکا، بدون تکیه به قدرت های مدعی، بلکه با دشمنی های آمریکا و قدرت های مدعی دنیا، يك ملت می‌تواند به پیشرفت واقعی دست پیدا کند این درس است، آن ها از این درس می‌ترسند آن ها می‌خواهند به ملت ها بیاوراند به زید گان و نخنگان سیاسی بیاوراند که بدون کمک آمریکا و بیرون از حوزه نفوذ آمریکا نمی‌شود پیشرفت کرد، ملت ایران اثبات کرده است که می‌تواند بدون آمریکا بلکه با دشمنی آمریکا می‌تواند به پیشرفت دست پیدا کند این درس بزرگ است، آن ها از این می‌ترسند.

عزیزان من، جوانان عزیز، مردم مومن حرف من این است که به ما رکورد زدیم، ما پیشرفت کردیم اما اگر دلمان را با آنچه تا کنون بدست آوردیم خوش کنیم شکست خواهیم خورد، اگر توقف کنیم به

عقب پرتاب خواهیم شد، اگر دچار غرور بشویم، دچار عجب و خودشگفتی بشویم به زمین خواهیم خورد.

اگر ما مسوولان به خصوص این دیگر مربوط به ما مسوولان است اگر ما مسوولان کشور دچار خود محوری بشویم، دچار تکبر بشویم، دچار خودشگفتی بشویم تودهنی خواهیم خورد، دنیا اینچنین است، سنت الهی این است، در پی کسب محبوبیت نباشیم، دنبال تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به اشرافی گری و تجملات نباشیم، ما مسوولین خودمان را حفظ کنیم همچنانی که این مرد بزرگ خود را حفظ کرد، اگر ما اینجا دچار اشتباه بشویم به مصداق همان آیه شریفه خواهیم شد که «وَأَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ»؛ توقف ممنوع است. در راه پیشرفت توقف ممنوع است، خودشگفتی ممنوع است، غفلت ممنوع است، اشرافی گری ممنوع است، لذت جویی ممنوع است. به فکر جمع کردن ذخایر دنیا افتادن برای مسوولین ممنوع است با این ممنوعیت هاست که می توانیم به قله برسیم.

ما داریم در دامنه حرکت می کنیم ما هنوز به قله نرسیدیم، فاصله داریم، آن روزی که ملت ایران به قله برسد دشمنی ها تمام خواهد شد، آن روزی که ملت ایران به قله برسد، معارضه های خباتت آلود به پایان خواهد رسید ما تا آنروز فاصله داریم حرکت را باید بی وقفه ادامه دهیم.

من خطاب به جوان ها، به مسوولین، به دانشجویان، به علمای بزرگوار، به کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم را دارند، به کسانی که تاثیرگذاری بر روی اذهان مردم دارند؛ عرض می کنم ما بایستی این حرکت به سمت پیشرفت را بی وقفه ادامه بدهیم، هم در زمینه سیاست هم در زمینه علم و فناوری، به خصوص در زمینه اخلاق و معنویت خودمان را تهذیب کنیم، خودمان را اصلاح کنیم، عیوب خودمان را بشناسیم، درصد رفع آن عیوب بریابیم، اگر این کار را بکنیم این موانعی که بر سر راه ما دشمنان ما ایجاد می کنند اثر نخواهد گذاشت، تحریم اثری ندارد، تحریم نمی تواند ملت ایران را از حرکت به جلو باز بدارد، تنها اثری که این تحریم های یکجانبه و چندجانبه بر روی ملت ایران می گذارد این است که نفرت و دشمنی از غرب در دل مردم ما عمیق تر می شود.

خب؛ صحبت از عزت ملی است، این جنبش ها و انقلاب های منطقه را که نگاه کنید، همه مرتبط با عزت ملی است، این انقلاب ها از یمن و بحرین بگیرد تا مصر و لیبی و تونس و تا کشورهایی که هنوز آتش زیر خاکستر است و یک روزی شعله ور خواهد شد، همه این ها انگیزه شان بازگشت به عزت ملی، عدالت اجتماعی و آزادی و همه در سایه اسلام است، اینکه می گویم بیداری اسلامی، این حرف پایه دار است، ریشه دار است.

ملت های مسلمان عدالت را می خواهند، آزادی را می خواهند، مردم سالاری را می خواهند، اعتنای به هویت انسان ها را می خواهند و این ها را در اسلام می بینند نه در مکاتب دیگر، چون مکاتب دیگر امتحان داده و شکست خورده اند، بدون مبنای فکری هم که نمی شود به این اهداف بلند دست پیدا کرد، آن مبنای فکری بر حسب ایمان و اعتقاد ملت های منطقه عبارت است از اسلام، بیداری اسلامی است، ماهیت جنبش ها این است. غربی ها و حکومت های وابسته به غرب در این منطقه می خواهند صورت مسئله را عوض کنند، می خواهند جور دیگری القا کنند به افکار عمومی، فایده ای ندارد، شخصیت های موثر باید مراقب باشند دور نخورند، ملت ها باید مراقب باشند دور نخورند، کار بزرگی انجام دادند، فضای سیاسی و اجتماعی منطقه به طور اساسی تغییر کرده و این مال همین حالا است، باش تا صبح دولتت بدمد که این هنوز از نتایج سحر است.

در همین قدم اول فضای سیاسی منطقه تغییر پیدا کرده، نمونه اش این است که مثلا در مصر وقتی که پیام مردم به نقطه جوش رسید و به اوج رسید بسیاری از غربی ها و بسیاری از حکومت های مستبد منطقه سعی می کردند از مبارک حمایت کنند و او را نجات بدهند و مردم را سرکوب کنند سعی شان این بود، حالا که مردم غلبه پیدا کردند و پیروز شدند همان قدرت ها، دیکتاتورترینشان، مستبدترینشان، دلیل ترینشان در مقابل غربی ها در حقوق مردم می زنند، دم از مردم سالاری می زنند. این معنایش این است که مردم سالاری امروز آنچنان به سکه رایجی در این منطقه تبدیل شده که حتی آن کسانی که حاضر نبودند اسم مردم و حقوق مردم به گوش کسی برسد، امروز مجبورند چاره ای ندارند برای جلب افکار عمومی دم از مردم سالاری بزنند دم از حقوق مردم بزنند.

قضیه این انقلاب ها خیلی مهم است؛ من بر روی مصر تکیه بکنم ، مصر کشور بزرگی است، مصر ملت کهنی است مصر يك منطقه اساسی در دنیای اسلام بوده ، منتها حاکمان فاسد و مزدور و پست و ذلیل ملت مصر را تذلیل کردند، مصر را تبدیل کردند ، این عبارت یکی از رسای صهیونیست است، او گفته بود که مصر گنج استراتژیک رژیم صهیونیستی است، کشور مصر را ملت مصر را تبدیل کرده بودند به گنجی برای رژیم صهیونیستی، رژیم جعلی غاصب، از این خفت بالاتر ، حالا این گنج ساقط شده ، این گنج از دسترس غاصبان کشور فلسطین خارج شده است. 30 سال رژیم مبارک امنیت اسرائیل را تضمین کرد، حتی حاضر شدند يك و نیم میلیون مردم غزه را در يك زندان بزرگ نگه بدارند، این ها را تاریخ فراموش نمی کند.

يك میلیون و نیم انسان در غزه زیر بمباران صهیونیست های خبیث، از آن طرف هم راه عبور و مرور هرگونه امکان حیاتی به غزه به وسیله رژیم حسنی مبارک بسته. در ایام جنگ 22 روزه، يك مبارزه فلسطینی در يك مصاحبه ای گفت که امروز آن روزی که او می گفت_ امروز 19 روز از جنگ می گذرد ما در این مدت نتوانستیم 19 کیلو گندم و آرد از مصر وارد کنیم.

غذای مردم، دارو و امکانات در رفح بسته بود. راه را بسته بودند برای اینکه به نفع رژیم صهیونیستی يك و نیم میلیون انسان را در زندان نگه دارند با گرسنگی با فشار. حالا این سقوط کرده. رژیم صهیونیستی احساس لختی می کند. دست پاچه و حیرت زده اند. این داد و بیاداهایی که می بینید از قول سران صهیونیست نقل می شود دم از کار نظامی و حمله نظامی، حاکی از دست خالی و از وحشت و از حیرانی آنهاست؛ می دانند که در این شرایط از همیشه آسیب پذیرترند.

هرگونه قدم کجی بردارند، هرگونه حرکت ناشایستی انجام دهند مثل صاعقه ای بر سر خودشان فرود خواهد آمد.

غربی ها و آمریکایی ها هم که همیشه پشتیبان های بی قید و شرط رژیم غاصب بودند امروز از همیشه گرفتارترند. امروز غرب با سلیبی صورت خود را سرخ نگه داشته است. مشکلات مالی مشکلات پولی و اقتصادی و مشکلات اجتماعی؛ در مواجه با مردم خودشان درمانده اند.

چندین حکومت طرفدار آمریکا در اروپا ساقط شدند. مردم اگر میدان پیدا کنند هرگونه نشانه استکبار آمریکایی را که در اروپا مشهود است با حضور و قدرت خودشان خواهند زدود. امروز وضعیتشان این است. خود آمریکا هم بدتر از همه.

ملت ها از آمریکا متنفرند؛ آمریکا دچار بحران است؛ البته می خواهند این بحران را منتقل کنند به آسیا، آفریقا و خاورمیانه تا بیوشانند ضعف خودشان را با حادثه آفرینی در کشورهای دیگر و مناطق دیگر. دنبال این هستند.

از جمله کارهایی که می خواهند بکنند، این است که در همین منطقه این انقلاب های عظیم مردمی را به ضد خودشان تبدیل کنند؛ مردم را سرگرم کنند. اختلافات قومی، مذهبی و طایفه ایی. ما باید هوشیار باشیم؛ ما باید هوشیار باشیم.

امروز آمریکایی ها دارند از تجربه انگلیسی ها استفاده می کنند در ایجاد اختلاف مذهبی بین شیعه و سنی. این جز تخصص های انگلیسی هاست. انگلیسی ها متخصص دشمنی انداختن بین گروه ها هستند از جمله میان شیعه و سنی در دنیای اسلام. ازچندصد سال قبل آنها این کاره بودند. امریکایی ها دارند از تجربه آنها استفاده می کنند.

مساله فلسطین پیش می آید، مساله مصر پیش می آید به مجرد اینکه در مقابل حرکت مردم قرار می گیرند به نحوی با طرفندی و خدعه ای فورا مساله مذهبی را مطرح می کنند، باید بیدار باشیم. همه باید بیدار باشند؛ سنی بیدار باشد، شیعه بیدار باشد، عالم مذهبی بیدار باشد، نخبه دانشگاهی بیدار باشد و آحاد مردم بیدار باشند و بفهمند چکار می کنند. بفهمند توطئه و نقشه دشمن را و کمک نکنند به نقشه دشمن؛ این کاری است که آنها امروز دارند انجام می دهند.

البته کارهای غربی ها از جمله آمریکایی های دیوانه وار است و حرکت های دیوانه وار می کنند. مساله هسته ای را بزرگ می کنند برای اینکه مسایل خودشان را از نظرها بیوشانند. مساله هسته ای ایران را در صدر مسایل خود و دنیا قرار می دهند درحالی که حقیقت قضیه این جور نیست. به دروغ اسم سلاح هسته ای می آورند؛ به دروغ مسایل رو در تبلیغات برجسته و درشت می کنند؛ هدفشان این است که ذهن ها را و افکار عمومی را از حوادثی که در خود آمریکا و اروپا دارد می گذرد، منصرف کنند البته موفق هم نخواهند شد.

نگاه ما به منطقه امیدوارانه است. کشور مصر امروز مشغول به مسایل داخلی خودش است که طبعاً طبیعت انقلابها است. يك حوادثی پیش می آید، ناچاراً این حوادث را حل و فصل کنند. ملت

سرگرم آنهاست و يك خلاء را به وجود آورده و فرصتی برای برخی از کشورها ایجاد کرده که وارد مسایل منطقه شوند و دخالت های غرب پسند و آمریکاپسند بکنند. به نیابت از آمریکا پول خرج کنند؛ به نیابت از آمریکا حرکت کنند و سفر کنند و اینجا و آنجا بروند ولی انشاءالله کشورهای انقلاب کرده، به خصوص کشور بزرگ مصر به آرامش و ثبات باز خواهد گشت، برمشکلات و ترفندها فایق خواهد شد.

رژیم دیکتاتور برچیده شد و دنباله های آن هم برچیده خواهد شد و ملتها خواهند توانست نقش خود را ایفا کنند.

البته اینجا لازم است قطعا با صراحت بگویم که در این حوادث منطقه، مردم بحرین در مظلومیت مضاعف به سر می برند. حقیقتا مظلوم هستند. به وسیله رژیم مستبد ودیکتاتوری بی جهت و بدون دلیل سرکوب می شوند و اعتراض آنها با خشن ترین وضعیت پاسخ داده می شود، در حالی که آنها چه می خواهند؟ آنها اولین و ابتدایی ترین نیازهای انسانی يك کشور مردم سالار را طلب می کنند. چیز زیادی نمی خوانند.

آنجا مساله شیعه و سنی را مطرح می کنند که اینجا شیعه اند. بحث شیعه و سنی نیست. تصادفا این ملت يك اکثریت 70 درصدی شیعه دارد. اگر 70 درصدشان مذهب دیگری داشتند و حاکمان مذهب دیگری داشتند باز هم قضیه همین بود و فرقی نمی کرد. ملتی است با يك مذهب تشیع و پیروی اهل بیت (ع) که با يك حکومت مستبدی روبه رو است. مساله این نیست که این حکومتی مذهبی دارد و اینجا مذهبی دارند.

ملت ایران با حکومتی درافتاد، رژیم شاه که به ظاهر شیعه و مسلمان هم بود و به حرم امام رضا هم می رفت. بحث شیعه و سنی نیست. مساله را می برند به اختلافات مربوط به مذهب در اینکه حق مردم را کتمان کنند ولی انشاء الله همه مجاهدت ها به نتیجه خواهد رسید.

باید مراقب باشیم آتش های قومی، طایفه ای و فرقه ای دامن زده نشوند، این خواسته ماست و این نصیحت ماست به همه اطراف قضایا و امیدوارم که انشاءالله خداوند متعال کمک کند و یقینا کمک خواهد کرد.

بدون تردید آینده برای ملت های مسلمان و برای اسلام و مسلمین و برای ملت ایران از گذشته بهتر است.